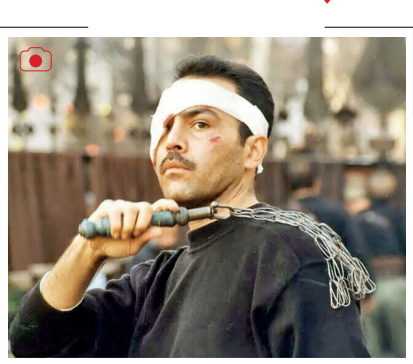




صفحه‌آرا: بهروز قلی پور

عکس نوشت


**خون واشک در عزای امام حسین<sup>ع</sup>**

سکانس عزاداری سلطان (فریبرز عرب‌نیا) و عادل (پولاد کیمیایی) یکی از فصل‌های مشهور فیلم «سلطان» است. این سکانس کوتاه و گذرا از «سلطان» یکی از نشانه‌های حضور مفاهیم عاشورایی در سینمای کیمیایی است.
فهرمان کلاسیک کیمیایی که از دل سنت آمده و با مذهب پیوند دارد، بی‌آنکه نشانه آشکاری از گرایش‌های مذهبی بروز دهد، در عزاداری جانانه‌اش انگار رنگار را از روح خسته‌اش می‌زداید.

اسکار

### پیش‌بینی‌های زود هنگام برای اسکار

پیش‌بینی‌های زود هنگام اسکار ۲۰۲۵ حاکی از رقابت جدی چند بازیگر قدر در بخش جایزه بهترین بازیگر مرد نقش اول است. برای اسکار بهترین بازیگر مرد ۲۰۲۵ دنزل واشینگتن، خواکین فینیکس، کولمن دومینگو و اندرو گارفیلد از حالا حرف اول را می‌زنند. انتشار نخستین تیزر فیلم «گلادیاتور ۲» به کارگردانی ری‌دلی اسکات که چشم‌انتظارن زیادی دارد، کار شناسان و سینمادوستان را برای آنچه پل مسکال، دنزل واشینگتن و پدرو پاسکال ممکن است در این فیلم نشان دهند، هیجان‌زده کرده است.

گفته می‌شود دنزل واشینگتن، برنده ۲ جایزه اسکار برای «شکوه» و «روز تمرین»، یکی از به‌یادماندنی‌ترین بازی‌های دوران حرفه‌ای خود را در همین فیلم‌ها راله می‌کند و حتی بازی او را با نقش آفرینی دنیل دی-لوئیس در «دار و دسته‌های نیویورکی» مقایسه می‌کنند و از همین رو به شکلی باقوه برای او احتمال نامزدی در یافت جایزه اسکار بابت بازیگری اصلی به جای بسازی در نقش مکمل پیش‌بینی می‌شود.


**«شور عاشقی» را ندیده قضاوت کردند**

داریوش باری، نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم سینمایی «شور عاشقی»: «من در طول ایام جشنواره فیلم فجر یک حرف، یادداشت و نقد حرفه‌ای، منطقی و قاعده‌مند نخواندم که بتواند به من سینماگر کمک کند.

متأسفانه برخی منتقدان فیلم من را کامل ندیده‌اند و قضاوت می‌کنند. / مهر

# از شش گوشه عرش تا عصر روز دهم

«عصر روز دهم» از نگاه ملاقلی پور و مجتبی راعی



ملاقلی پور همیشه می‌خواست دو فیلم درباره مادر و امام حسین (ع) بسازد. بعد از «میم مثل مادر» خواست «عصر روز دهم» را جلوی دوربین ببرد که مرگ به او مهلت نداد. رسول ملاقلی پور سال ۱۳۸۵ به کر بلاسفر کرد تا برای فیلمنامه‌ای که قصد ساختش را داشت چند لوکیشن ببیند، اما او اسفند همان سال از دنیا رفت و از آن سفر یک مستند با نام «شش گوشه عرش» به جا ماند.

### پروژه ناتمام «عصر روز دهم»

ملاقلی پور با توجه به نگاهی که به جنگ داشت، می‌خواست فیلمی درباره زندگی چند نفر پس از دوران جنگ را جلوی دوربین ببرد. از آنجا که یکی از شخصیت‌های داستانش در عراق زندگی می‌کرد لازم بود فیلم به گونه‌ای روایت



### خاطره منوچهر محمدی از ملاقلی پور

منوچهر محمدی در مراسم دربارۀ ملاقلی پور می‌گوید: «زیارت را که انجام دادیم در بین‌الرحمن نشستیم، او گفت و من شنیدم، من گفتم او شنید. به اقتضای کار مان که سینما باشد برای هم ترسیم حادثه روز عاشورا را می‌گفتم. قتلگاه، تل‌زینبیه، خیمه‌گاه، کف العباس در کادر بود»


**مولودرام و کمدی به جنگ یکدیگر رفته‌اند**

بابک خواجehپاشا، کارگردان «آبی روشن»: «خانواده‌ها به سمت هیچ مولودرامی کشش ندارند. بخشی از مخاطبان روشنفکر ما هم کاملا کمدی را ترک کرده‌اند، چون احساس می‌کنند که این سینما بسیار سطحی است. در این وضعیت این دو نوع سینما علیه هم قیام کرده‌اند. / ایلنا


**سینمایی دینی**

**منوچهر محمدی، تهیه‌کننده فیلم درباره نگاه متفاوت ملاقلی پور**
**واعی می‌گوید:**
**«پس زمینه قصه و طرح یکی است، منتها پرورشی که هر نویسنده به قصه می‌دهد روح آن را تعیین می‌کند. بسط و گسترشی که آقای راعی به فیلم دادند آن را مولودرام کرد، اما لحنی که آقای راعی دارد ترکیب یک فضای مستند با مولودرام است. این نوع از کار را کم در سینمای ایران دیده‌ایم. فضایی که دراین فیلم از عراق می‌بینید نزدیک به مستند است»**

### راعی ۲ سال بعد «عصر روز دهم» را ساخت

انتخاب کارگردان جایگزین برای این فیلم وظیفه مهمی بود که بردوش منوچهر محمدی به‌عنوان تهیه‌کننده قرار گرفت و محمدی نیز مجتبی راعی را مناسب‌ترین فرد برای به سرانجام رساندن پروژه ناتمام ملاقلی پور دانست. راعی خود بازی‌نویسی فیلمنامه را آغاز کرد و فیلمبرداری هم‌زمان باماه محرم سال در سال ۱۳۸۷ در عراق آغاز شد.

### داستانی متفاوت از «عصر روز دهم»

۲ سال پس از فوت ملاقلی پور، مجتبی راعی «عصر روز دهم» را با بازی‌نویسی فیلمنامه و براساس طرح داستانی خود ملاقلی پور جلوی دوربین برد. داستان این فیلم از این قرار است که زن جوانی به نام دکتر مریم شیرازی با گروهی از پزشکان هلال احمر برای کمک به مردم جنگ‌زده عراق عازم این کشور می‌شود، اما هدف اصلی او جست‌وجو برای یافتن خواهر گمشده‌اش است که در کودکی و هنگام جنگ ایران و عراق، توسط یک سرباز عراقی که صاحب فرزند نمی‌شد، ربوده و در شهر کر بلا بزرگ شده است. سفر مریم به عراق هم‌زمان با ایام عزاداری عاشورا است.



صفحه‌آرا: محمدرضا محمدی تاش

خبر

## خطرناک‌ترین پسماندهای صنعتی

انبارش نادرست پسماندهای صنعتی مانند لجن‌های آهکی و آزیست‌ها، با کوچک‌ترین وزش باد، می‌تواند گردوغبار خطرناک و آلاینده‌های مریبار را به محیط اطراف منتقل کند.

مهدی خادم ثامنی، مدیر کل دفتر پسماند سازمان حفاظت محیط زیست گفت: از جمله این پسماندها، لجن‌های آهکی هستند که در برخی از صنایع مانند پتروشیمی و کارخانجات قند تولید می‌شوند. مواد دیگری مانند آزیست نیز وجود دارند که بسیار خطرناک هستند و در صورتی که انبارش مسقف و کنترل شده نداشته باشند، می‌توانند به شکل آلاینده‌های خطرناک و گردوغبار در محیط منتشر شوند. همچنین، بسیاری از خروجی‌های صنایع و خودروها می‌توانند آلاینده‌هایی نظیر فلزات سنگین را به گردوغبار متصل و این آلاینده‌ها را به نقاط مختلف کشور منتقل کنند. علاوه بر فلزات سنگین، هیدروکربن‌ها نیز می‌توانند به گردوغبارها متصل شوند و آلودگی ایجاد کنند.

# عصر عاشورا تقدیم به ایران

تابلوی استاد محمود فرشچیان با عنوان «عصر عاشورا» در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد

تابلوی نقاشی «عصر عاشورا» اثر استاد محمود فرشچیان در آستانه عاشورای حسینی در نشست شورای ثبت ملی آثار تاریخی در شهر مشهد به ثبت ملی رسید. محمود فرشچیان متولد بهمن ۱۳۰۸ در اصفهان است و پس از آموزش نزد استاد امامی و بهادری و تحصیل در مدرسه هنرهای زیبای اصفهان به اروپا رفت. به گفته کارشناسان، سبک او به نقاشان دوره صفویه نزدیک است.

### نمایش مظلومیت

سیدجواد موسوی، مدیر کل میراث فرهنگی استان خراسان رضوی: نگارگری معروف به «عصر عاشورا»، شاهکار استاد محمود فرشچیان به‌عنوان یک اثر هنری که با روش نگارگری ایرانی خلق شده است، در فهرست میراث فرهنگی منقول ایران به ثبت ملی رسید. نقاشی عصر عاشورا در سال ۱۳۵۵ توسط استاد محمود فرشچیان خلق و در سال ۱۳۶۹ به آستان قدس رضوی اهدا شد. این نقاشی با ترسیم صحنه‌ای حزن‌انگیز از عصر عاشورا در صحرای کربلا و پس از شهادت سالار شهیدان به گوشه‌ای از مظلومیت‌های اهل بیت امام حسین (ع) اشاره دارد. استاد محمود فرشچیان تاکنون ۱۴ نقاشی نگارگری ایرانی به موزه آستان قدس رضوی اهدا کرده است.


**تکمیل پرونده ثبت جهانی هگمتانه**

علیرضا ایزدی، مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی: ملاحظات یونسکو در پرونده ثبت جهانی «هگمتانه و مرکز تاریخی همدان» اعمال و در اجلاس آتی که در دهلی‌نو برگزار می‌شود ارائه خواهد شد. امیدواریم هگمتانه بیست و هشتمین پرونده ثبت جهانی ایران باشد.

در چیه

شهرام زعفرانلو! کارشناس هنری

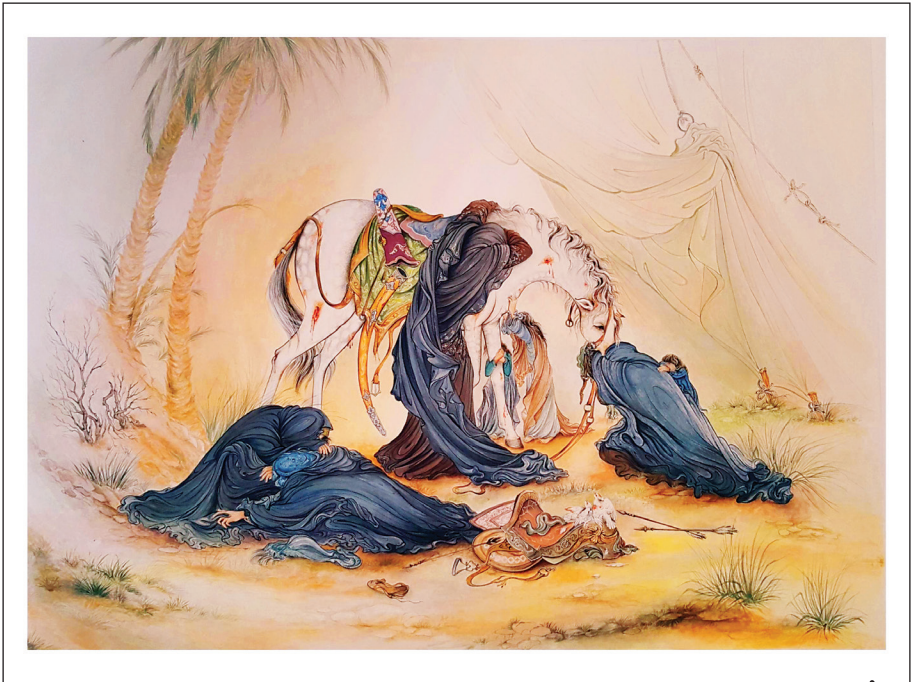
## ماورائی به نام «عصر عاشورا»

«عصر عاشورا»، گویای زمان وقوع حوادث بعدازظهر عاشورا است. این تابلو، همچون روایت‌گری است که بدون اشاره مستقیم به حوادث گذشته، با نام‌نویز آثار به جای مانده از آن، ما را از بروز رخدادی که منتج به ظهور این تصویر شده، آگاه می‌سازد. لذا زمان اثر زمان حال است و ما منتظر اتفاقات اکنون.

زمان خارج از کارزار نبرد و به دور از چشم نامجرمان، بر اسب بازگشته از میدان جنگ و بی‌سوار، می‌گریند. زین اسب فرو افتاده و براق و افسار آن رها شده و کیوترائی تیر خورده روی زین افتاده‌اند. زینب(س) ایستاده بر دیواره تن اسب تکیه داده و سر بردن در دست در بالای اسب حلقه زده، می‌گرید و در مرکز دایره واقع است. نقاش، چنان ترکیبی را در ترسیم پیکره زنان، دختران و چهره‌های نادیدنی آنها به کار برده که ناله‌های خاموش‌شان، با کمی توجه و سکوت قابل شنیدن است. تنها دستان ظریف و تحریف‌گودگان و زنان است که از دیگرهای پوشیده از چادرهای ارغوانی‌رنگ‌شان بیرون زده و به همین اشاره، عمق ستمدیدگی آنها را نمایان ساخته است.

پیکره‌های زنان از شدت سنگینی بار مصیبت حوادث ایام گذشته، تپنده‌اند و از درد فقدان امام(ع) و همزمانش خمیده و شکسته‌اند. این فسردگی و تضرع در اندام اسب و چشمانش به‌خوبی نمایان است. همگان بر این مصیبت گریه می‌کنند. گریه‌ای که برای همه پیروان امام حسین(ع) به میراث ماندگار بدل شده است. خطوط آشفته پال‌های اسب و چشمان نیمه‌بسته‌اش، با زخم‌های خون آلود و به‌جای مانده از تیرها، خستگی مفرط و اجزری را که متحمل شده بروز داده و گویی تنها برای تکیه دادن زنان و دختران ایستاده و باید ایستاده بمیرد. گره طناب‌های خیمه بر میخ‌های برجسته و استوار و فرو رفته در زمین و شکل صعودی خطوط خیمه به سمت بالای قاب و بخش‌های پنهان آن، سفری آسمانی را نوید می‌دهد. ترکیب رنگ سفید و زرد بر اندام اسب و کیوتران معصوم، آنان را از سایر اشیای محیط متمایز ساخته و زخم‌های خون‌رنگ بر تن‌شان، حس ترحم از خسرونت به‌وجود آمده را القا می‌کند. نوره بخش جدایی‌ناپذیر از این فضای معنوی است که شهادت و استواری در برابر ناملایمات حاصل آن است.

«عصر عاشورا» دگرگونی واقعیت است به‌دست حقیقت. شیوه بیان هنرمندانه فرشچیان با توجه به جزئیات مصیبت، تغزلی مرئی‌هوا و شاعرانه است که ایستادن و تأمل کردن را سهل و ممتنع می‌کند. نه یاری ماندن و نگرستن داریم و نه یاری گذر و کم‌توجهی. شرمگینی مخاطب در این اثر کمتر از شرمندگی اسب بی‌سوار بازگشته از میدان جنگ نیست.


**خودم هم گریه‌ام می‌گیرد**

**محمود فرشچیان، نگارگر**: ۴ساله بودم. روی زمین می‌نشستم و نقش‌های قالی را روی کاغذ می‌کشیدم. پدرم هم راضی بود. او نماینده شرکت فرش در اصفهان بود. استادی برایش نقش فرش می‌کشید. مرا پیش او برد. استاد نقش یک آهو به من داد و گفت از روی آن نقاشی کن. تا صبح فردا حدود ۲۰۰ طرح در اندازه‌ها و جهت‌های مختلف کشیدم. باور نمی‌کرد. آنقدر رنگ برای استادم ساییدم که کف دست‌هایم پینه بست. پیش از انقلاب، روز عاشورا، مادرم گفت برو روضه گوش کن تا چند کلام حرف حساب بشنوی. گفتم کار دارم، بعدا می‌روم. فرقت اتاق و حال عجیبی به من دست داد. قلم را برداشتم و تابلوی «عصر عاشورا» را شروع کردم. قلم را که برداشتم، شد همین تابلو که الان هست. بدون هیچ تغییری. الان که بعد از سه‌سال‌ها به این تابلو نگاه می‌کنم، می‌بینم اگر می‌خواستم همین کار را امروز بکنم، باز هم همین تابلو به وجود می‌آمد. این تابلو چیزی دارد که خودم هم وقتی به آن نگاه می‌کنم، گریه‌ام می‌گیرد.

<b>۱۳۵۵</b>	<b>تاریخ خلق اثر</b>	آستان قدس رضوی	<b>تاریخ اهدا به موزه</b>	تاریخ ثبت در فهرست آثار ملی کشور	<b>۱۴۰۳</b>
<b>۷۳.۹۸ سانتی‌متر</b>	<b>طول و عرض اثر</b>				
<b>محل نگهداری</b>	<b>تکنیک اجرا</b>	<b>رنگ به‌کاررفته</b>			
<b>۵۰ اثر</b>	<b>موزه آستان قدس رضوی</b>	<b>نگارگری</b>	<b>۲۹ موزه</b>	<b>اکریلیک</b>	
<b>فرشچیان در موزه سعدآباد</b>	<b>تعداد آثار اهدایی فرشچیان به موزه آستان قدس</b>	<b>جهان آثار فرشچیان را نمایش دائمی می‌دهند</b>			

**خلاصه اثر:** «عصر عاشورا» مشهورترین اثر تجسمی درباره واقعه عاشورا است. موضوع اثر بازگشت اسب بی‌سوار به‌سوی خیمه‌ها پس از شهادت امام حسین(ع) در عصر عاشورا و نمایش حزن و اندوه اهل بیت امام(ع) در مواجهه با این صحنه است.